

از دارالفنون تا هنرهای زیبا

مروری بر زمینه‌های شکل‌گیری و تأسیس رشته‌ی طراحی گرافیک در ایران*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

کد مقاله: ۲۷۸۰۳

نرجس مؤمنی^۱

چکیده

آموزش هنر در ایران تا قبل از دایر شدن مراکز رسمی بر اساس اصل استاد_شاگردی و روش سنتی بنا شده بود. دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، پایه‌گذار آموزش بسیاری از رشته‌های هنری در نظام آموزش عالی ایران، سابقه‌ای درخشان و قدمتی ۸۳ ساله دارد. توجه به آموزش هنرهای تجسمی به‌ویژه هنر طراحی گرافیک در سطح عالی، از ویژگی‌های برجسته‌ی این دانشکده است. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که کدام مراکز آموزشی، زیرساخت‌های شکل‌گیری آموزش گرافیک در ایران را بوجود آوردند؟ این تحقیق، بر مبنای ماهیت و روش توصیفی تحلیلی با روش گردآوری اطلاعات از طریق مراجعه به کتابخانه صورت گرفت. برآیند پژوهش نشان داد مدرسه‌ی دارالفنون، مجمع‌الصنایع ناصری، مدرسه‌ی نقاشی کمال‌الملک (مدرسه‌ی صنایع مستظرفه)، هنرستان هنرهای زیبا و هنرکده‌ی هنرهای تزئینی در آموزش هنر و شکل‌گیری رشته گرافیک در ایران سهم بسزایی داشته‌اند. عملکرد دانشکده‌ی هنرهای زیبا نقش مؤثری در شکل‌گیری فضای هنری ایران، خطی مشی و ساختار آموزشی سایر دانشگاه‌ها و مدارس هنری داشته است.

واژگان کلیدی: آموزش گرافیک، دارالفنون، مدرسه‌ی صنایع مستظرفه، هنرستان هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای تزئینی، دانشکده‌ی هنرهای زیبا

^۱ دانشجوی ارشد ارتباط تصویری، گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*- مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه ارشد نگارنده با عنوان «پژوهشی در تحول و تکوین هنر گرافیک معاصر در دهه ۲۰ و ۳۰ ایران» می‌باشد.

آموزش گرافیک در ایران تنها به مراکز رسمی خلاصه نمی‌شود. در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش دو برادر مهاجر ارمنی به نام‌های ناپلئون^۱ و موشق سارواریان (سروری)^۲ از پیشگامان گرافیک نوین ایران، فعالیت هنری خود را در حوزه‌ی طراحی نشانه و سردهای سینمایی در ایران آغاز کردند. آنان در حوزه‌ی آموزش هنر گرافیک در ایران نیز نقش مؤثری داشتند، برادران سارواریان تجربیات خویش را به شاگردانی از جمله آلدو صرافیان منتقل کردند. در سال‌های بعد و قبل از تأسیس دانشکده‌ها، طراحان گرافیک با برپایی آتلیه‌های شخصی کوچک و بزرگ، مبنای طراحی گرافیک معاصر ایران را بنا نهادند. یکی از مراکز ایجاد آتلیه‌های طراحی گرافیک و آژانس‌های تبلیغاتی خیابان لاله‌زار بود. آتلیه آرک (بهرامی یا پارس) یکی از اولین آتلیه‌های طراحی گرافیک مدرن در ایران به‌شمار می‌رود. محمد بهرامی^۳، سال ۱۳۰۵ ه.ش، در رحمت‌آباد رودبار به دنیا آمد. او تحصیلات دوره‌ی ابتدایی را در هنرستان هنرهای ملی ایران (اداره صنایع مستظرفه) آغاز کرد و به آموختن هنر مشغول شد. بهرامی فعالیت حرفه‌ای را از اطلاعات ماهانه آغاز کرد. او با همکاری جواد هاتف، آتلیه بهرامی را سال ۱۳۲۵ ه.ش در خیابان لاله‌زار تأسیس کرد. وی هم‌زمان با مدیریت این آتلیه، در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به ادامه‌ی تحصیلات آکادمیک پرداخت. بسیاری از هنرمندان و طراحان گرافیک مطرح معاصر چون پرویز کلانتری، مرتضی ممیز^۴، محمد احصایی^۵، آیدین آغداشلو^۶، علی‌اکبر صادقی^۷، باریس آسیریان^۸، محمد تجویدی^۹، علی شاه‌میری، علی‌اصغر معصومی^{۱۰}، حسین اسلامیان^{۱۱}، محمدعلی زاویه^{۱۲}، نصرت‌الله خوانساری، عبدالله باقری، رضا مافی^{۱۳}، عباس کوهزاد و بسیاری دیگر از هنرمندان سرشناس امروز، مدارج هنری خویش را به‌صورت تجربی در آتلیه‌ی بهرامی طی کرده بوده‌اند. آتلیه بهرامی در آن زمان همچون یک دانشگاه خصوصی بود. مقاله حاضر گزارشی است از فرآیند تأسیس و شکل‌گیری مهم‌ترین مراکز آموزش هنر طراحی گرافیک در ایران. آموزش هنر در کشور، تا قبل از راه‌اندازی مؤسسات رسمی، به شیوه‌ی سنتی صورت می‌گرفت. مدرسه‌ی دارالفنون در سال ۱۲۳۰ ه.ش با شیوه‌ی آموزش غربی آغاز به کار کرد. پس‌از آن مدرسه‌ی

۱ ناپلئون سارواریان (انگلیسی: NAPELEON SARVARIAN) (زاده ۱۲۸۷ ش - درگذشته ۱۳۴۹ ش)، طراح پلاکارد و گرافیست ارمنی‌تبار اهل ایران بود.

۲ موشق سارواریان (انگلیسی: MOUSHEGH SARVARI-SARVARIAN) (ارمنی: Մուշեղ Սարվարյան) (زاده ۲۵ بهمن ۱۲۸۹ ش - درگذشته مرداد ۱۳۶۰ ش) کارگردان، طراح صحنه، تهیه‌کننده و نویسنده ایرانی ارمنی‌تبار بود. وی برادر ناپلئون سروری بود.

۳ محمد بهرامی (طراح گرافیک، تصویرگر و نقاش ایرانی ۱۳۰۵/۱۹۲۶ ش - ۱۴۰۲ ش). از شخصیت‌های تأثیرگذار در تحول طراحی گرافیک و تصویرسازی معاصر ایران به‌شمار می‌آید. در اوان جوانی در هنرستان کمال‌الملک آموزش دید. در مجله/اطلاعات ماهانه مشغول کار شد (۱۳۲۲). آتلیه‌ی آرک را با همکاری جواد هاتف تأسیس کرد (۱۳۲۵): که بعداً به آتلیه‌ی بهرامی تغییر نام یافت (۱۳۲۷). دوره‌ی کارشناسی نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبا، گذراند. اواخر دهه ۱۳۳۰ ه.ش، آتلیه پارس را بنیاد نهاد و در آن اجرای طرح‌های تبلیغاتی را به گروهی از همکاران سپرد و خود عمدتاً به تصویرگری آثار ادبی کلاسیک و طراحی جلد کتاب پرداخت (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۳۳۶).

۴ مرتضی ممیز (طراح، تصویرگر، نقاش، مدرس و هنری‌نویس ایرانی، ۱۳۱۵/۱۹۳۶ ش - ۱۳۸۳/۲۰۰۵ ش). هنرمندی نوآور و معلمی تأثیرگذار که نقش تعیین‌کننده‌ای در تحول و اعتلای گرافیک معاصر ایران داشته است. در امتحان ورودی رشته نقاشی دانشکده هنرهای زیبا قبول شد (۱۳۳۵). هنوز دانشجوی سال اول بود که در کارگاه گرافیک محمد بهرامی قدم در عرصه حرفه آینده‌اش گذاشت. بعداً در کار تصویرگری مجله ایران آباد، کتاب هفته و کیهان هفته فرصتی استثنایی برای تجربه‌های تازه و بروز استعدادهاش یافت (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۴۰۲).

۵ محمد احصایی (خوشنویس، طراح گرافیک و نقاش ایرانی، ۱۳۱۸/۱۹۳۹ ش -). از شاخص‌ترین نمایندگان جنبش نقاشی‌خط در ایران به‌شمار می‌آید. پس از اخذ مدرک دانش‌سرای مقدماتی به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد (۱۳۳۷) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۲۱).

۶ آیدین آغداشلو (نقاش، طراح گرافیک، مدرس و هنری‌نویس ایرانی، ۱۳۱۹/۱۹۴۰ ش -). در مقام نقاش چیره‌دست بازسازی‌ها و از شکل اندازی‌ها همواره کوشیده است نشانه‌هایی از گذشته و حال را به هم بیوند دهد. فعالیت حرفه‌ای خود را از اوان جوانی در یک مؤسسه تبلیغاتی شروع کرد (۱۳۳۵). چند سالی به تحصیل در رشته نقاشی دانشکده هنرهای زیبا پرداخت (۱۳۳۶-۱۳۳۸)، اما از اتمام دوره تحصیلی منصرف شد. به نویسندگی روی آورد و نخستین مقالاتش را در مبدأ مجله‌ی اندیشه و هنر به چاپ رساند (۱۳۴۲) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۱۴).

۷ علی‌اکبر صادقی (نقاش، فیلم‌ساز پویانمایی و تصویرگر ایرانی، ۱۳۱۶/۱۹۳۷ ش -). هنرمندی که مضامین آثار گوناگونش را غالباً از اسطوره‌ها، افسانه‌ها و باورهای کهن ایرانی برمی‌گیرد. نزد آواک هایرایتیان اسلوب نقاشی با آبرنگ را فراگرفت (۱۳۳۳) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۹۲۱).

۸ باب‌گن (باریس) آسیریان در سال ۱۳۰۴ ه.ش در لشت نشا (نزدیک رشت) متولد شد. وی با جدیت و تلاش ۵۰ سال از عمر خود را وقف هنر به‌ویژه طراحی گرافیک کرد و سرانجام در سال ۱۳۸۵ ه.ش چشم از جهان فرو بست.

۹ محمد تجویدی (نگارگران و تصویرگر ایرانی، ۱۳۰۳/۱۹۲۴ ش - ۱۳۷۶/۱۹۹۴ ش). مقدمات نگارگری را نزد پدرش، هادی تجویدی فراگرفت. در مدرسه صنایع قدیمه (۱۳۲۴-۱۳۲۱ ش) هنرستان عالی هنرهای ملی (۱۳۲۲-۱۳۲۴ ش) آموزش دید (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۴۶۴).

۱۰ علی‌اصغر معصومی لاری (نقاش، طراح گرافیک و تصویرگر ایرانی ۱۳۱۲/۱۹۳۳ ش -). مقدمات نقاشی را در هنرستان کمال‌الملک فراگرفت (۱۳۳۴-۱۳۳۰). سپس در رشته نگارگری هنرستان هنرهای زیبا، تهران آموزش دید (۱۳۳۸-۱۳۳۴) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۳۷۹).

۱۱ حسین اسلامیان (مذهب و نگارگر ایرانی، ۱۲۹۰/۱۹۱۱ ش - ۱۳۶۰/۱۹۸۱ ش). از برجسته‌ترین تذهیب‌کاران معاصر بود و در اسلوب‌های تذهیب و تشعیرسازی دست به ابداعاتی زد (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۹۱).

۱۲ محمدعلی زاویه (نگارگر ایرانی، ۱۲۹۱/۱۹۱۲ ش - ۱۳۶۹/۱۹۹۰ ش). وی در مدرسه صنایع قدیمه، از برجسته‌ترین شاگردان هادی تجویدی بود و در شیوه‌های مختلف طبع‌آزمایی می‌کرد. او در دانشکده هنرهای زیبا نیز آموزش دید (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۷۸۳).

۱۳ رضا مافی (خوشنویس ایرانی، ۱۳۲۲/۱۹۴۳ ش - ۱۳۶۱/۱۹۸۲ ش). از نمایندگان جنبش نقاشی‌خط به‌شمار می‌آید. او کار خود را در این زمینه با سیاه‌مشق‌های رنگین آغاز کرد (۱۳۴۶) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۲۳۰).

نقاشی کمال‌الملک، تدریس را با تلفیقی از روش سنتی و شیوهی اروپایی پیش گرفت. هنرستان هنرهای زیبا، از بنیان‌گذاران اصلی شکل‌گیری هنر مدرن در کشور در سال ۱۳۳۲ ه.ش افتتاح شد. سپس هنرکده‌ی هنرهای تزئینی (دانشکده هنر فعلی) ساختار آموزشی آرت‌دکو را مبنای آموزش خود قرار داد. این مراکز، از مهم‌ترین پایه‌گذاران آموزش هنر طراحی گرافیک ایران در طی دو قرن گذشته به‌شمار می‌روند. گزارشی از تأسیس نخستین مراکز آموزش رسمی هنر تا آئین‌نامه‌ی تأسیس، تغییر نام، نخستین اساتید و گروه‌های آموزشی دانشکده‌ی هنرهای زیبا و شکل‌گیری و تثبیت جایگاه رشته‌ی گرافیک در این مرکز از دیگر مباحث این پژوهش می‌باشد.

۲- مدرسه‌ی دارالفنون

سال ۱۲۳۰ ه.ش و در عهد ناصرالدین‌شاه قاجار مدرسه‌ی دارالفنون توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر، جهت آموزش علوم و فنون جدید در خیابان ناصرخسرو تهران تأسیس شد. این مرکز، در ابتدا برای آموزش رشته‌های مهندسی، نظامی و پزشکی راه‌اندازی شد. در سال‌های بعد، آموزش رشته‌های چون موسیقی، نقاشی و زبان انگلیسی و روسی در این مدرسه آغاز شد. نخستین مدرسان این مرکز، در ابتدا معلمین اتریشی و در سال‌های بعد مدرسانی از کشورهای آلمان، فرانسه و ایتالیا بودند که به‌استخدام این مدرسه درآمدند. از مدرسین نقاشی مدرسه‌ی دارالفنون به‌گازرپولو^۱، مسیو کنستان^۲ (نقاش فرانسوی) و مزین‌الدوله (هنرمند نقاش دوره‌ی ناصری) می‌توان اشاره کرد. شیوه‌ی آموزش در این مدرسه غربی بود. نخستین آموزه‌های رسمی هنر نقاشی در دارالفنون آغاز شد. همزمان با راه‌اندازی این مرکز، چاپخانه‌ی سنگی دارالفنون افتتاح و کتاب‌های درسی در این چاپخانه چاپ و صحافی شد. در سال‌های پایانی عهد قاجار، با کم‌رنگ شدن اقبال جامعه، این مدرسه رو به انحطاط رفت (قنبری، ۱۳۹۷: ۶۹) (تصویر ۱).



تصویر ۲: عکاسی ناشناس، کمال‌الملک و شاگردانش در مدرسه‌ی صنایع مستظرفه (قنبری، ۱۳۹۷: ۷۱).



تصویر ۱: عکاسی ناشناس، مدرسه‌ی دارالفنون (قنبری، ۱۳۹۷: ۷۱).

۳- مجمع‌الصنایع ناصری

در سال ۱۲۳۱ ه.ش، مجمع‌الصنایع ناصری در انتهای بازار توتون‌فروشان تهران راه‌اندازی شد. اندکی بعد، به دلیل تحولات اجتماعی و سیاسی فعالیت این مرکز متوقف شد. سال ۱۲۵۸ ه.ش، دوره‌ی دوم فعالیت این مرکز در محل جدید از سر گرفته شد. در منابع مکتوب اطلاع دقیقی در خصوص مؤسس این مرکز درج نشده است. در برخی منابع مانند روزنامه‌ی «وقایع‌انفقاویه»، اینگونه ذکر شده است که این مؤسسه به‌فرمان ناصرالدین‌شاه و توسط شخصی به‌نام حسینعلی‌خان معیرالممالک شکل گرفته است. در حجره‌های این سرای عظیم، گروهی از هنرمندان به‌فعالیت و رفع نیازهای درباریان و مردم مشغول بودند. «یکی از حجره‌های متعدد این سرای بزرگ، حجره‌ی نقاشی بود که ابوالحسن خان نقاش‌باشی و سی‌وچهار تن از شاگردان در آنجا به‌کار نگارگری مشغول بودند» (ذکاء، ۱۳۸۲: ۳۰). این مرکز به‌موازات مدرسه‌ی دارالفنون جهت ترویج رشته‌های نو مانند صحافی، نقاشی و تذهیب راه‌اندازی شد. نسخه‌ی خطی و مصور «هزار و یک‌شب» یکی از برجسته‌ترین آثار صنایع‌الملک و شاگردانش در این مرکز تولید شده است. «آموزش و فعالیت‌های صنایع‌الملک و شاگردانش را می‌توان نخستین رخداده‌ی آموزش طراحی گرافیک در ایران دانست» (قنبری، ۱۳۹۷: ۶۹).

۴- مدرسه‌ی نقاشی کمال‌الملک (صنایع مستظرفه)

در سال ۱۲۹۵ ه.ش، مؤسسه آموزش هنر در کشور به سرپرستی محمد غفاری (کمال‌الملک) راه‌اندازی شد. کمال‌الملک پس از سفر به اروپا و درک آثار هنری غرب، این مرکز را جهت تربیت هنرمندان پایه‌گذاری کرد. سالانه ۴۰ شاگرد در دو رشته‌ی مجسمه‌سازی و نقاشی در این مدرسه مشغول به تحصیل می‌شدند. شیوه‌ی تدریس در این مدرسه تلفیقی از روش سنتی و شیوه‌ی آکادمی اروپایی بود. فارغ‌التحصیلان این مدرسه پس از گذراندن دوره‌ی آموزش چهارساله گواهی‌نامه‌ی سطح عادی و دوره‌ی شش سال گواهی‌نامه‌ی سطح عالی دریافت می‌کردند (تصویر ۲). در سال ۱۳۰۶ ه.ش، با برکناری کمال‌الملک و آغاز مدیریت اسماعیل آشتیانی نام این مدرسه به «هنرستان عالی صنایع مستظرفه» تغییر کرد. رشته‌هایی چون هنرهای زیبا، پرسپکتیو، کادربندی، آناتومی و... در این هنرستان عالی تدریس می‌شد. علی‌اکبر صنعتی، ابوالحسن صدیقی، محمود اولیاء، مارکو گرگوریان و... از مهم‌ترین شاگردان این مرکز بودند. این مدرسه سرانجام در سال ۱۳۰۹ ه.ش به دلیل سوء مدیریت منحل شد.

۵- هنرستان هنرهای زیبا

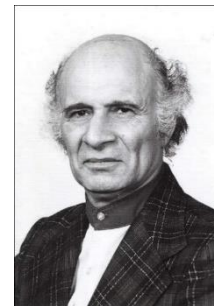
سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۲۰ ه.ش وزارت فرهنگ و هنر شکل گرفت. از جمله وظایف این وزارتخانه، راه‌اندازی هنرستان هنرهای زیبا بود. بعدها این هنرستان به هنرستان تجسمی پسران تغییر نام داد. در سال ۱۳۳۲ ه.ش، این مرکز با تلاش‌های جلیل ضیاءپور^۱ و ریاست شمس‌الدین بهبهانی، به صورت مختلط تأسیس شد (تصویر ۳).



تصویر ۵: عکاس ناشناس، هنرجویان هنرستان هنرهای زیبای پسران تهران، ۱۳۳۶ ه.ش، تالار فرهنگ (قنبری، ۱۳۹۹: ۴۶).



تصویر ۴: عکاس ناشناس، هنرستان دخترانه تهران، ۱۳۳۰ ه.ش (آرشیو شخصی معراج قنبری).



تصویر ۳: عکاس ناشناس، جلیل ضیاءپور (قنبری، ۱۳۹۹: ۳).

پرورش استعدادهاى خلاق در رشته‌های هنری مقصود اصلی از تأسیس این هنرستان بود. هنرستان در سال اول در سه رشته نقاشی، مینیاتور و مجسمه‌سازی فقط با یک کلاس، در مکانی نزدیک به اداره‌ی کل هنرهای زیبا شروع به کار کرد. «با جدایی هنرستان دختران از پسران در سال ۱۳۳۳ ه.ش، جلیل ضیاءپور که از دانش‌آموختگان دانشکده‌ی هنرهای زیبا بود و در فرانسه تحصیلاتش را پی گرفته بود، ریاست هنرستان پسران را بر عهده گرفت و بهبهانی نیز به هنرستان دختران رفت» (قنبری، ۱۳۹۹: ۴۶) (تصویر ۴).

این مدرسه، از بنیان‌گذاران اصلی شکل‌گیری هنر مدرن در کشور است و نقش مؤثری در ارتقای سطح هنرهای تجسمی معاصر ایفا نموده است. اکثر هنرآموزان این هنرستان در دو دهه بعدی، از مدرسان دانشگاه و فعالان در رشته‌های طراحی گرافیک، نقاشی و... بودند (تصویر ۵). سال‌های نخست، واحدهای درسی در دو گروه عمده‌ی نظری و عملی تقسیم می‌شد. گروه اول: ریاضیات، تاریخ هنر، زبان خارجه، کالبدشناسی، رنگ‌شناسی، خط، هندسه و ورزش و گروه دوم: نقاشی، مینیاتور، مجسمه‌سازی و طرح‌های تزئینی را شامل می‌شد. از برجسته‌ترین اساتید این هنرستان می‌توان به جلال آل‌احمد، لیلیت تریان، سهراب سپهری، یحیی ذکا، منوچهر معتبر^۲، عباس مشهدی‌زاده، آیدین آغداشلو، شکوه ریاضی^۱، مارکو گریگوریان و هانیبال‌الخاص^۲ اشاره کرد.

۱ جلیل ضیاءپور (نقاش، هنری‌نویس و مدرس ایرانی، ۱۲۹۹/۱۹۲۰ ش-۱۳۷۸/۱۲۹۹ ش). از پیشگامان جنبش هنر نوگرایی ایران که به‌ویژه در معرفی مکتب‌های هنر مدرن در ایران بسیار کوشیده است. از زادگاهش بندر انزلی به تهران رفت (۱۳۱۷)، نخست در مدرسه‌ی صنایع مستظرفه قدیمه آموزش دید. سپس دوره‌ی کارشناسی نقاشی را در هنرکده‌ی وابسته به دانشگاه تهران [دانشکده‌ی هنرهای زیبا] گذراند (۱۳۲۰-۱۳۲۴) (پاکباز، ۱۳۹۹؛ ج ۲: ۹۳۵).

۲ منوچهر معتبر (متولد ۱۳۱۵ ه. ش) نقاش ایرانی است. معتبر به خاطر سبک ویژه‌اش در طراحی شناخته‌شده است. معتبر در شیراز متولد شد و نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تحصیل کرد. سه دوره طراحی را در انجمن هنرجویان نیویورک و دوره فوق‌لیسانس در آموزش هنر را در دانشگاه ایندیانا سپری کرد. سپس به ایران بازگشت و در دانشگاه‌های هنر ایران و مراکز هنر تجسمی طراحی و نقاشی تدریس کرد.

در میان فارغ‌التحصیلان آن نیز نام‌های بزرگی چون بهزاد گلیگانی، صادق تبریزی، منصور قندریز، حسین زنده‌رودی، فرامرز پیلام، مسعود عربشاهی، کامبیز درم‌بخش^۳ و ... به چشم می‌خورد. تا میانه‌های دهه‌ی ۱۳۵۰ ه. ش و تحول نظام‌آموزشی، دوره‌های این هنرستان سه‌ساله برگزار می‌شد. پس از تصویب قانون جدید که باعث حذف دو دوره‌ی شش‌ساله مقطع تحصیلی شد، هنرجویان به صدور گواهی قبولی سوم راهنمایی نیاز داشتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این دبیرستان، در سال ۱۳۶۰ ه. ش، فعالیت خود را با عنوان هنرستان هنرهای تجسمی مجدد از سر گرفت. هنرستان سال‌به‌سال تا امروز و برای آموزش نسل جدید هنرمندان فعالیت می‌کند.

۶- هنرکده هنرهای تزئینی

در سال ۱۳۳۹ ه. ش، این دانشکده به‌همت هوشنگ کاظمی^۴ و موافقت وزیر فرهنگ وقت مهرداد پهلبد^۵ تأسیس شد. در سال ۱۳۳۵، کاظمی از دانشکده‌ی هنرهای تزئینی پاریس (آرت‌دکو) در مقطع فوق‌لیسانس رشته‌ی طراحی خط و گرافیک دانش‌آموخته شد. وی اولین ایرانی فارغ‌التحصیل در رشته‌ی طراحی گرافیک به‌شمار می‌رود. در سال ۱۳۳۸ ه. ش، کاظمی پس از بازگشت به ایران ساختار آموزشی آرت‌دکو را در این دانشکده اجرا کرد. راه‌اندازی رشته‌ی طراحی گرافیک، یکی از اهداف اصلی تأسیس این هنرکده بود. در آغاز، این رشته با نام «هنرهای چاپی و نگارشی» در کنار رشته‌های مجسمه‌سازی، نقاشی تزئینی و طراحی پارچه تدریس می‌شد. ترکیبی از هنرمندان فرانسوی و ایرانی نخستین گروه اساتید این دانشکده را تشکیل می‌دادند. از میان این افراد می‌توان به ایوان ژیران^۶، آلن بایاش^۷، مادام ژوبر^۸، حسین کاظمی، محسن وزیری مقدم و لیلیت تریان^۹ اشاره کرد (تصویر ۶).



تصویر ۷: پرویز نبوی، هنرکده‌ی هنرهای تزئینی، حدود سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۲ ه. ش (دل‌زنده، ۱۳۹۹: ۳۰۴).



تصویر ۶: عکاس ناشناس، آلن بایاش، استادان فرانسوی هنرکده تزئینی (آرشیو شخصی معراج قنبری).

۱ شکوه ریاضی (زاده ۱۳۰۰ ش - درگذشته ۱۸ تیر ۱۳۴۱ ش) از پیشگامان هنر و نقاشی مدرن در ایران بود. وی نوگراترین زن نقاش ایرانی بود. او به‌عنوان یکی از بهترین، مدرسان، هنرستان، عالم، هنرستان، تزئین، و منتقدان نقاشی سنتی راهگشای بسیاری از شاگردان و هنرجویان خود بود. شاگردانی که امروز جزو مطرح‌ترین هنرمندان نقاشی معاصر ایران به‌شمار می‌آیند.
 ۲ هانیبال الخاص (۲۶ خرداد ۱۳۰۹ ش کرمانشاه - ۲۳ شهریور ۱۳۸۹ ش کالیفرنیا)، نقاش، منتقد و مدرس هنری، مترجم و نویسنده آشوری تبار اهل ایران بود. الخاص از نقاشان نوگرای معاصر ایران بود. وی که آغازگر طراحی فیگوراتیو در نقاشی نوگراست و یکی از تأثیرگذارترین نقاشان و مدرسان هنری بر جریان هنر معاصر نقاشی ایران بود.
 ۳ کامبیز درم بخش، (طنزنگار و رسام ایران، ۱۳۲۱/۱۹۴۹ ش - ۲۰۲۱/۱۴۰۰). به اعتبار ظرافت فکر و شعور تجسم‌اش، از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران، معاصر ایران، به‌شمار می‌آید. در هنرستان، هنرهای زیبا، تهران، آموزش، دید (۱۳۴۰-۱۳۳۷) (یاکیباز، ۱۶۹۹ ج ۱: ۶۲۹).
 ۴ هوشنگ کاظمی طراحی گرافیک، نقاش و مدرس ایرانی، (۱۳۰۲/۱۹۲۳ ش - ۱۳۹۴/۲۰۱۵ ش). از پیشگامان طراحی گرافیک نوین ایران به‌شمار می‌آید. دوره‌ی کارشناسی ادبیات خارجی را در دانش‌سرای عالی تهران گذراند (۱۳۲۳-۱۳۲۰). هم‌زمان، در رشته‌های معماری و نقاشی هنرکده‌ی وابسته به دانشگاه تهران [دانشکده هنرهای زیبا] آموزش دید (یاکیباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۰۷۹).
 ۵ مهرداد پهلبد (زاده شده به نام عزت‌الله مین‌باشیان؛ ۲۵ اسفند ۱۲۹۵ - ۱۸ مرداد ۱۳۹۷) هنرمند و دولت‌مرد ایرانی بود. او از ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۷ نخستین وزیر فرهنگ و هنر ایران بود. پهلبد همسر شمس پهلوی دختر رضاشاه و خواهر محمدرضا پهلوی بود.

۶ Ivan Girard

۷ آلن بایاش، (Alan Boyce) متولد ۱۹۲۷ میلادی از شهر گره فرانسه است. او که فارغ‌التحصیل رشته دکوراسیون، است. در رشته‌ی معماری و نقشه‌کشی، داخلی، تخصص دارد. دوره دانشگاه عالم، هنرهای تزئینی، پاریس، را در رشته معماری داخلی گذرانده است (۱۹۶۰) سپس برای تدریس در رشته معماری داخلی دانشکده هنرهای تزئینی (تهران) به ایران آمده است (۵۷-۱۳۴۶ ش).

۸ Madame Jouber

۹ لیلیت تریان، (ارمنی؛ Lilit Staniūn؛ زاده ۱۰ دی ۱۳۰۹ ش در تهران - درگذشته ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ ش)، هنرمند مجسمه‌ساز ایرانی ارمنی‌تبار بود که به نام «مادر مجسمه‌سازی ایران» شناخته می‌شود.

«هنرجویان در کنکور ورودی، انتخاب رشته نداشتند و سه سال تمام دوره‌ی عمومی را در گروه‌های حدود ۱۵ نفری می‌گذراندند. پایان هر هفته، جلسه‌ی قضاوت هر کارگاه بود که دو یا سه استاد، با مشورت یکدیگر به کارها نمره می‌دادند. در انتهای سال سوم، در صورتی که دانشجویان واحدهایش را با موفقیت گذرانده بود، می‌توانست انتخاب رشته کند و فقط یک سال دوره‌ی تخصصی را بگذراند. البته نتیجه بسیار مطلوب بود، زیرا هنرجو در سه سال اول اصول و مبانی هنری را به‌خوبی فراگرفته بود و در سال چهارم با تخصص هنری ویژه‌ای آشنا می‌شد» (همان: ۴۷).

اولین گروه از شاگردان در رشته‌ی نقاشی این هنرکده را افرادی چون حسین زنده‌رودی^۱، منصور قنبریز^۲، فرامرز بیلامرام^۳، بهزاد گلپایگانی^۴، صادق تبریزی^۵، مسعود عربشاهی^۶ و ناصر اوبسی بودند. نخستین دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی طراحی گرافیک از این دانشکده محمد پولادی^۷ بود که در سال ۱۳۴۴ ه. ش فارغ‌التحصیل شد. یک دوره‌ی کارشناسی ارشد گرافیک در سال ۱۳۵۵ ه. ش، در این دانشکده راه‌اندازی شد و تعداد اندکی دانشجویان از طریق امتحان ورودی، پذیرفته شدند. در کلاس‌های این دوره، هوشنگ کاظمی، آیدین آغداشلو، مرتضی ممیز، ایرج انواری^۸، شهلا حبیبی^۹، ابراهیم احراری، محمود گرجستانی^{۱۰} و قاسم کیانمهر مشغول به تدریس بودند. این دانشکده پس از انقلاب فرهنگی، با دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک تلفیق شد و به مجتمع دانشگاهی هنر و پس‌از آن به دانشگاه هنر تغییر نام داد و همچنان نیز فعال است. در سال ۱۳۶۲ ه. ش، نام رشته‌ی هنرهای چاپی و نگارشی به «ارتباط تصویری» تغییر یافت (تصویر ۷ و ۸). از دهه‌ی ۱۳۶۰ ه. ش تا به امروز؛ آموزش رشته‌ی طراحی گرافیک در تهران، از منظر محتوای آموزشی تحولات بسیار داشته است. در سال‌های اخیر با توجه به افزایش تعداد دانشگاه‌ها، دانشجویان این رشته نیز در حال افزایش است.

۷- دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران)

دانشگاه تهران در نهم شهریورماه سال ۱۳۱۳ ه. ش تأسیس شد. در مهرماه سال ۱۳۱۷ ه. ش، وزارت پیشه و هنر برنامه‌های پیشنهادی و اساسنامه‌های هنرستان عالی هنرهای زیبای باستانی، هنرستان دولتی بانوان و هنرهای زیبای نوین را برای مطالعه و بررسی تقدیم شورای عالی معارف کرد. در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۱۸ ه. ش، شورا در جلسه‌ی سیصد و نود و پنجم خود این برنامه‌ها را در دستور کار قرارداد و مقرر داشت تا کلیه اعضا پس از مطالعه و بررسی برنامه‌ی پیشنهادی نظرات خود را اعلام نمایند (تصویر ۹). در جلسه بعدی، شورای عالی معارف در تعقیب مذاکرات جلسه قبل مقرر داشت تا از معاون وزارت پیشه و هنر جناب آقای نصر تقاضا شود که در جلسه آینده‌ی شورا حضور یافته و توضیحات لازم در قسمت‌های فنی را ارائه دهند تا پس از اساسنامه و برنامه‌های مذکور مورد بررسی قرار گیرند.

۱ حسین زنده رودی [شارل] (نقاش و چاپگر ایرانی، ۱۳۱۶/۱۹۳۷ ش-). به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران مکتب سقاخانه شناخته می‌شود. در هنرستان هنرهای زیبا، تهران آموزش دید (۱۳۳۹-۱۳۳۶) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۷۸۷).

۲ منصور قنبریز (نقاش ایرانی، ۱۳۱۴/۱۹۳۵ ش- ۱۳۴۴/۱۹۶۵ ش). یکی از بااستعدادترین هنرمندان معاصر بود که به علت مرگ زودرس [در یک سانحه رانندگی] نتوانست کارش را ادامه دهد. او در تبریز متولد شد و در هنرستان هنرهای زیبا، تهران آموزش دید (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۰۵۰).

۳ فرامرز بیلامرام (نقاش و خوشنویس ایرانی، ۱۳۱۶/۱۹۳۷ ش- ۱۳۶۲/۱۹۸۳ ش) یکی از نمایندگان مکتب سقاخانه و در زمره نخستین کسانی بود که ویژگی‌ها و امکانات صوری خط-نوشته و یا خوش‌نویسی سنتی را در نقاشی نوگرایی ایرانی آزمون کردند. در هنرستان هنرهای زیبا تهران آموزش دید (۱۳۳۹-۱۳۳۶) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۴۳۴).

۴ بهزاد گلپایگانی (طراح گرافیک و نقاشی ایرانی)، (۱۳۱۷/۱۹۳۸ ش- ۱۳۶۴/۱۹۸۵ ش). در هنرستان هنرهای زیبا، تهران آموزش دید (۱۳۳۹-۱۳۳۶). تحصیل در هنرکده هنرهای تزئینی را نیمه‌کاره رها کرد و هنرآموزی را در مدرسه عالی هنرهای تزئینی پاریس ادامه داد (۱۳۴۳) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۲۱۷).

۵ صادق تبریزی (نقاش و سفالگر ایرانی، ۱۳۱۸/۱۹۳۹ ش-). از نمایندگان شاخص سقاخانه و نقاشی خط به‌شمار می‌آید (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۴۶۲).

۶ مسعود عربشاهی (نقاش و مجسمه‌ساز ایرانی، ۱۳۱۴/۱۹۳۵ ش-). هنرمندی که در رویکردی متمایز از جریان رایج به تجربه نو گرایانه پیوند با سنت پرداخته است. در هنرستان هنرهای زیبای تهران آموزش دید (۱۳۳۵-۱۳۳۸) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۹۵۸).

۷ محمد پولادی (طراح گرافیک، تصویرگر و نقاش ایرانی، ۱۳۲۰/۱۹۴۱ ش- ۱۳۷۶/۱۹۹۷ ش). در هنرستان هنرهای زیبا تهران آموزش دید (۱۳۳۰-۱۳۳۰) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۴۱۱).

۸ ایرج انواری (طراح گرافیک و مدرس ایرانی، ۱۳۲۱/۱۹۴۲ ش-). دوره کارشناسی گرافیک را در هنرکده‌ی [دانشکده] هنرهای تزئینی (۱۳۴۷-۱۳۴۳) و در دوره کارشناسی ارشد ارتباطات بصری را در مدرسه عالی هنرهای تزئینی، پاریس (۱۳۴۹-۱۳۴۸) گذراند (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۷۰).
۹ شهلا حبیبی (نقاش و مدرس ایرانی، ۱۹۴۵/۱۳۳۴ ش-). دوره کارشناسی ارشد ارتباطات بصری مدرسه عالی هنرهای تزئینی پاریس را به‌پایان رساند (۱۳۵۰) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۵۶۹).

۱۰ محمود گرجستانی (طراح گرافیک، مجسمه‌ساز و مدرس ایرانی، ۱۳۱۶/۱۹۳۷ ش-). در نوجوانی مقدمات نقاشی را نزد حسین بهزاد و یحیی دولتشاهی آموخت. به آمریکا رفت و دوره‌ی کارشناسی گرافیک را در کالج سن هوزا، کالیفرنیا گذراند (۱۳۴۰) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۱۹۸).



تصویر ۹: عکاس ناشناس، دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) (آرشیو شخصی معراج قنبری).



تصویر ۸: پرویز نبوی، هنرکده‌ی هنرهای تزئینی، حدود سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۲ ه. ش (دل‌زنده، ۱۳۹۹: ۳۰۴).

با تغییرات و اصلاحات دکتر علی‌اکبر سیاسی و اعمال نظر پیشنهادات اعضای شورای عالی معارف در متن اساسنامه پیشنهادی، سرانجام در چهارصد و چهارمین جلسه‌ی شورای عالی فرهنگ در تاریخ سه‌شنبه چهارم دی‌ماه ۱۳۱۸ ه. ش، اساسنامه و برنامه‌ی هنرستان عالی هنرهای زیبا در دوازده ماده به تصویب رسید. در شرایط تصویب این اساسنامه، شورای دانشگاه تهران نیز در جلسات مختلف به مسئله‌ی تشکیل دانشکده هنرهای زیبا علاقه نشان می‌داد و گاهی با عنوان هنرهای زیبا و گاهی نیز در قالب هنرکده به گفتگو می‌پرداخت. به هر ترتیب، با عنایت به چنین پیشینه‌ای جهت توسعه‌ی آموزش‌های هنری بود که نهایتاً در سال ۱۳۱۹ ه. ش، دانشکده هنرهای زیبا با اعتبار سالیانه یکصد هزار ریال و موافقت وزارت فرهنگ آغاز به کار کرد.

این‌نامه تأسیس دانشکده هنرهای زیبا مصوب ۹ شهریور ۱۳۱۹:

در شورای دانشگاه تهران این‌نامه سه ماده‌ای برای تأسیس دانشکده هنرهای زیبا به تصویب رسید که به شرح زیر است:

ماده ۱- از اول سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ه. ش آموزشگاهی به نام «دانشکده هنرهای زیبا» در تهران تأسیس و به‌شماره دانشکده‌های دانشگاه تهران افزوده می‌شود.

ماده ۲- منظور از تأسیس این دانشکده آموختن فنون گوناگون معماری- حجاری- نقاشی و قسمت‌های دیگر هنرهای زیبا خواهد بود.

ماده ۳- اساسنامه و برنامه و این‌نامه‌های لازم این دانشکده جداگانه تهیه و به تصویب شورای دانشگاه خواهد رسید» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۷).

دانشکده هنرهای زیبا که از قدیمی‌ترین دانشکده‌های دانشگاه تهران به‌شمار می‌رود در مهرماه ۱۳۱۹ ه. ش، بنا به حمایت و توصیه‌ی مرحوم اسماعیل مرآت^۱ وزیر فرهنگ وقت و بر اساس ساختار آموزشی مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس تأسیس شد. این دانشکده در شرایطی ویژه، جایگزین مدرسه کمال‌الملک و مدرسه عالی صنایع پیشه و هنر شد. در ابتدا این دانشکده با نام هنرکده شکل گرفت. پیش از دانشکده هنرهای زیبا، تنها مدرسه‌ی مؤثر و قابل‌اعتنا در حوزه‌ی هنر در دوره‌ی معاصر، مدرسه‌ی کمال-الملک بود که هم‌زمان با کناره‌گیری و درگذشت این استاد بزرگ، به مدرسه صنایع پیشه و هنر تبدیل شد. پس‌از این واقعه، اداره و تدریس در آن به عهده‌ی شاگردان کمال‌الملک بود و مکان آن نیز به مقابل باشگاه افسران سابق منتقل شد.

ایده‌ی راه‌اندازی هنرکده شاید به دو دلیل در وزارت فرهنگ آن دوره مطرح شد: اول باهدف ایجاد مدرسه‌ای هنری در سطحی جامع و به‌مثابه همتایان فرنگی آن بود که مرحوم مرآت به‌واسطه‌ی مشاهده مدرسه عالی هنرهای زیبای پاریس به‌تأسیس آن همت گماشت. به‌ویژه که در آن دوران دانشگاه جدید و تازه تأسیس تهران هم بر پایه‌ی چنین الگوهایی، از مجموعه مدارس عالی قبلی شکل‌گرفته بود و دوم این‌که کمال‌الملک نیز چنان مورد غضب و بی‌مهری دستگاه حکومت بود که دولت در تلاش بود با جایگزین کردن مؤسسه‌ای تازه به‌عنوان جایگزین مدرسه‌ی او، محترمانه و به‌مرور نام و خاطره‌ی وی را محو کند.

در همین دوره، مدرسه‌ای با دوره‌ای دوساله به‌نام مدرسه‌ی عالی معماری با همکاری پروفسور رولان فرانسوی و مهندس محسن فروغی و به مدیریت استاد ابوالحسن صدیقی^۲ تأسیس گردید. ایجاد هنرکده موجب شد تا این مدرسه‌ی جدید که فقط چند ماهی از تأسیس آن می‌گذشت با مدرسه صنایع پیشه و هنر تلفیق شوند (عزیزی، ۱۳۸۲: ۵).

مهندس فروغی با‌همت مرآت از گروهی از اساتید مدرسه صنایع پیشه و هنر برای تدریس در هنرکده دعوت کرد. ایشان عبارت بودند از: استاد ابوالحسن صدیقی، حسنعلی وزیری، غلامرضا عبادی، استاد علی‌محمد حیدریان و محسن مقدم^۳ برادر

۱ اسماعیل مرآت (۱۷ اسفند ۱۲۷۱ تهران - ۲۷ آذر ۱۳۲۸ واشنگتن) وزیر فرهنگ ایران در دوره‌ی رضاشاه و از پایه‌گذاران آموزش عالی نوین در ایران بود.

۲ ابوالحسن صدیقی (۱۳ مهر ۱۲۷۶، عودلاجان - ۲۰ آذر ۱۳۷۴، تهران)، نقاش و مجسمه‌ساز برجسته‌ی ایرانی و از شاگردان کمال‌الملک بود.

۳ محسن مقدم (زاده‌ی ۱۲۷۹ در تهران - درگذشته‌ی ۱۳۶۶ ه. ش) از بنیان‌گذاران دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران و استاد ممتاز این دانشگاه بود.

بایامقدم نویسنده معروف که به‌تازگی دوران تحصیل را در مدرسه لوور پاریس گذرانده و به تهران آمده بود. تنها کسی که این دعوت را نپذیرفت و به این گروه نپیوست، مرحوم حسنعلی وزیری برادر کنل وزیری موسیقیدان معروف بود. آقای مرآت، آقای اسدالله قهرمان‌پور را برای اداره‌ی هنرکده در نظر گرفت.

دانشکده هنرهای زیبا بانام «هنرکده» ابتدا به مدت یک‌سال در شبستان مدرسه و مسجد خان مروی^۱ با سه رشته‌ی نقاشی، معماری و مجسمه‌سازی تأسیس شد. شرایط فعالیت در ابتدا بسیار نامناسب بود. در آغاز به‌دلیل عدم تخصیص بودجه جهت خرید لوازم اولیه کار مانند میز، صندلی، سه‌پایه نقاشی و ... معلمین و شاگردان به‌ناچار خود همت به ساختن آن‌ها با ابزار معمولی کردند. انتخاب مسجد مروی برای فعالیت هنرکده گزینه‌ی مناسبی نبود و سبب اعتراض اهالی مسجد و طلبه‌ها شد. با تلاش مسئولین ذی‌ربط در سال ۱۳۲۱ هـ ش به‌ناچار هنرکده از مدرسه‌ی مروی به سالن آزمایشگاه الکتریسیته فعلی دانشکده فنی نقل مکان کرد و آنجا را به تصاحب خود درآورد.

دروس شعبه‌ی مجسمه‌سازی و نقاشی هنرستان عالی هنرهای زیبای نوین و شعبه‌ی معماری هنر سرای عالی با موافقت وزارت پیشه و هنر، منحل و دانشجویان به هنرکده هنرهای زیبا منتقل گردیدند. در قالب اساسنامه و آئین‌نامه‌های آموزشی عده‌ای داوطلب جدید پذیرفته شدند و فعالیت هنرکده آغاز گردید. در سال ۱۳۱۹ هـ ش و با تصمیم وزارت فرهنگ جهت تأسیس هنرکده هنرهای زیبا، آندره گدار^۲ برای برنامه‌ریزی، راه‌اندازی و سرپرستی هنرکده انتخاب شد. آندره گدار برای تدریس، از مهندسان شاغل در شرکت سنتاب که اجرای پروژه‌ی ساختمان‌های دانشگاه تهران را بر عهده داشتند دعوت نمود.

ماکسیم سیرو^۳ (فرانسوی)، موزر (سوئیس)، محسن فروغی، رولان دوپرو^۴ (فرانسوی) و خاچیک بابلیان (ایرانی) مهندسان معمار دعوت شده برای تدریس در دانشکده بودند. برای تدریس در رشته‌ی نقاشی، مجسمه‌سازی و موسیقی نیز تعدادی از معلمان مدرسه-ی صنایع پیشه و هنر دعوت شدند. پس از استعفای آندره گدار و بازگشت وی به پاریس، محسن فروغی تحت عنوان اولین رئیس ایرانی دانشکده هنرهای زیبا منصوب شد. وی تا سال ۱۳۴۱ هـ ش این سمت را به‌عهده داشت (همان: ۶). تنظیم و تدوین برنامه‌ی دروس مجسمه‌سازی و نقاشی توسط آقای صدیقی و دروس معماری توسط آقای دوپرو و بر مبنای برنامه‌های درسی مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس صورت گرفت. همین برنامه‌ریزی‌ها موجب اختلاف‌سلیقه بین آندره گدار و آقای صدیقی شد. سپس آندره گدار از ریاست کناره‌گیری کرد و در نهایت رشته مجسمه‌سازی آن‌چنان که باید، تمام و کمال شکل نگرفت. اگرچه دروس این رشته به شکل جنبی توسط آقای حیدریان و بعدها توسط آقای صدیقی تدریس می‌گردید.

به‌نظر می‌رسد الگوبرداری یک‌طرفه از مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس، دلیل اختلاف نظر آقای صدیقی با گدار بود. آقای صدیقی معتقد به جمع‌آوری اطلاعات از سایر مدارس و دانشکده‌های هنر اروپا نیز بوده است. آقایان صدیقی و حیدریان از رفقا و سپس همکاران قدیمی در همان مدرسه‌ی کمال‌الملک بودند. آقایان مقدم و عبادی در مدرسه‌ی تاریخ هنر لوور پاریس و مدرسه‌ی هنرهای زیبا تحصیل کرده بودند. خانم مارتین آشوب امین‌فر، دانش‌آموخته‌ی مدرسه‌ی هنرهای تزئینی پاریس معلم دیگر رشته‌ی نقاشی بود که همسری ایرانی داشت. وی تدریس واحد طراحی تزئینی را در دانشکده به‌عهده گرفت.

معلمین معمار فرانسوی هنرکده باتوجه به فعالیت در شرکت سنتاب، زمانی که سالن آزمایشگاه آماده بهره‌برداری شد، به‌جای دانشکده فنی آن را به هنرکده تحویل دادند و همین تصاحب و اشغال سبب مخالفت شدید رئیس وقت دانشکده فنی، مهندس بازرگان شد؛ اما تلاش‌های رئیس دانشگاه آقای مرآت وزیر فرهنگ وقت، باعث شد به مدت چهارسال، هنرکده در همین سالن باقی بماند. یکی از کارگاه‌های دانشکده هنرهای زیبا واقع در جنوب شرقی دانشگاه در شهریورماه ۱۳۲۸ هـ ش، مورد استفاده قرار گرفت و بنای دیگری نظیر آن یک‌سال بعد آماده و به شعبه‌ی معماری اختصاص یافت. کلاس‌های درس، شعبه نقاشی، قسمت اداری و کتابخانه در بنای قبلی مستقر گردیدند. مهندسین سنتاب در سال ۱۳۲۴ هـ ش، ساخت بخشی از ساختمان‌های فعلی دانشکده هنرهای زیبا را به پایان رساندند و دانشکده به محل ساختمان‌های اصلی خود انتقال یافت و تا امروز نیز در همان‌جا مستقر است.

۱ مدرسه علمیه مروی در سابق، دبیرستان، مروی یکی، از دبیرستان‌های معروف و قدیم، تهران، بود. در ابتدا دبیرستان، مروی با مساحت، حدود ۷۰۰۰ متر واقع در کوچه مروی، در دوران رضاشاه تبدیل به دومین دبیرستان تأسیس شده در شهر تهران شد. دبیرستان مروی از دبیرستان‌های خوب شهر تهران و هم‌ردیف با دبیرستان دارالفنون و ادیب بود.
 ۲ آندره گدار (به فرانسوی: André Godard) (زاده ۲۱ ژانویه ۱۸۸۱ – درگذشته ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۵) معمار، باستان‌شناس فرانسوی و رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود.
 ۳ ماکسیم سیرو (به فرانسوی Maxime Siroux) (زاده ۲۵ اکتبر ۱۹۰۷ – متوفی ۲۶ ژانویه ۱۹۷۵) کارشناس معماری از فرانسه و از اولین استادان دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران بود.

۴ Roland Macel Dubrulle

۸- تغییر نام دانشکده هنرهای زیبا به هنرکده

قبل از این اشاره شد که در جلسات شورای دانشگاه، از دانشکده هنرهای زیبا، گاه به‌عنوان دانشکده هنرهای زیبا و گاه با نام هنرکده یاد می‌شد، اما در زمان تدوین اساسنامه‌ها و نهایتاً تأسیس آن، همواره از این دانشکده با نام دانشکده‌ی هنرهای زیبا یاد شده است. با این وجود، ماهیت موقتی اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌های این دانشکده سبب شد تا در شروع دوره‌ی دوم دانشگاه، گفتگوهای پیرامون تغییر نام آن صورت گیرد. در یک‌صدویست‌وسومین جلسه‌ی شورای دانشگاه به تاریخ سوم مهرماه ۱۳۲۲ ه. ش، سرانجام آیین‌نامه‌ای به‌نام اساسنامه‌ی هنرکده به تصویب رسید و بر مبنای ماده‌ی اول آن، نام دانشکده هنرهای زیبا به هنرکده تغییر یافت.

این اتفاق در شرایطی بود که مسئولین دانشکده خواستار تغییر نام هنرکده به دانشکده شده بودند. پس از بیان این درخواست توسط رئیس دانشگاه دکتر سیاسی، یکی از اعضای شورا به‌نام آقای رهنما مدعی شد که خواست و نظر فرهنگستان استفاده از عنوان هنرکده بوده است. متن گفتگوی شورا به شرح زیر است: «راجع به هنرکده، جناب آقای دکتر سیاسی توضیحاتی دادند و چون تقاضای آن مؤسسه این بود که به‌جای هنرکده عنوان این مؤسسه علمی، هنرکده هنرهای زیبا باشد، جناب آقای رهنما توضیحاً فرمودند که نظر فرهنگستان در انتخاب این کلمه این بوده است که هنرکده برای دانشکده هنرهای زیبا علم شود» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۷). لازم به ذکر است که مسئولان هنرکده چندسال بعد نیز طی نامه‌ای، باهم خواهان تبدیل نام این دانشکده به هنرهای زیبا شدند. مدت‌ها بعد، یعنی در سال ۱۳۲۸ ه. ش چنین تلاشی به نتیجه رسید و نام هنرکده هنرهای زیبا به دانشکده هنرهای زیبا تغییر یافت.

۸-۱- نخستین استادان دانشکده هنرهای زیبا

تأسیس دیر هنگام دانشکده هنرهای زیبا در سال ۱۳۱۹ ه. ش که در شمار واپسین سال‌های دوره‌ی اول تاریخ دانشگاه به‌شمار می‌رود، طبیعتاً زمان لازم برای توسعه و پیشرفت چشمگیر این دانشکده را فراهم نکرد. به همین جهت، در مقایسه با دانشکده‌هایی که از ابتدای تأسیس دانشگاه شکل گرفتند، تعداد اساتید این دانشکده چندان زیاد نبود. اساتید ذیل، اعضای هیئت‌علمی دانشکده هنرهای زیبا در این دوران بودند:

- | | |
|---|--|
| ۱- آندره گدار که از ابتدا ریاست افتخاری دانشکده | ۷- الکساندر موزر، معلم دانشکده هنرهای زیبا |
| هنرهای زیبا را به عهده گرفت و به عضویت شورای | ۸- مهندس خاچیک بابولیان، استاد معماری |
| دانشگاه نیز منصوب شد؛ | ۹- ابوالحسن صدیقی، استاد مجسمه‌سازی |
| ۲- مهندس محسن فروغی | ۱۰- غلامرضا عبادی، استاد نقاشی |
| ۳- ماکسیم سیرو، معلم معماری | ۱۱- علی محمد حیدریان، استاد نقاشی |
| ۴- آفتان‌دیلیانس، استاد معماری | ۱۲- مهندس رولان دوبرن، استاد معماری |
| ۵- محسن مقدم، استاد تاریخ صنع | ۱۳- حسنعلی وزیری، استاد موسیقی |
| ۶- مارتین آشوب امین‌فر، معلم هنر | |

کادر علمی دانشکده، پس از استقرار آن در دانشکده‌ی فنی، همچنان توسعه پیدا کرد زیرا از یک‌سو موقعیت دانشکده مستحکم‌تر و در نهایت احتیاجات آن بیشتر می‌شد و از سوی دیگر کار شرکت سنتاب به اتمام می‌رسید و مهندسين آن که مجانی در دانشکده فعالیت می‌کردند، به کشور خود بازمی‌گشتند. لذا دانشکده، از آقای مهندس آفتان‌دیلیانس^۱ و بعد آقای مهندس عباس درودی در پی تکمیل هیئت‌آموزشی خود دعوت به‌کار کرد. کمی بعد آقای مهندس غلامرضا کورس به‌جای مهندس موزر سوئیسی آمد. همچنین برای دروس نظری از آقایان دکتر نظام‌الدین مجیر شیانی، دکتر مهدی راهی، آقای احمد بیرشک و دکتر کیهانی (استاد دانشکده پزشکی برای درس آناتومی) دعوت به‌عمل آمد. کمی بعد دکتر نورالدین کیانوری جایگزین آقای ماکسیم سیرو شد و تدریس را در این دانشکده آغاز کرد. سپس تدریس واحد تاریخ هنر را آقای خان بابا بیانی^۲ به‌عهده گرفت. سه تن از اولین فارغ‌التحصیلان معماری دانشکده در اواخر دهه بیست به نام آقایان هوشنگ صانعی، حیدر غیائی و هوشنگ سیحون^۳ به‌استخدام

۱ اوژن آفتان‌دیلیانس (ارمنی) (Օժէ՛ն ԱճՏԱՆԴԻԼԵԱՆՅ)؛ (زاده ۱۲۹۲ - درگذشته ۱۳۷۶)، معمار ایرانی ارمنی‌تبار بود. اوژن آفتان‌دیلیانس در سال ۱۲۹۲ ه. ش (۱۹۱۳ میلادی) در شهر تبریز به دنیا آمد. وی دارای تحصیلات عالی در رشته معماری از مدرسه هنرهای زیبای پاریس (École des Beaux-Arts) بود. آفتان‌دیلیانس به مدت سی‌سال در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. ۲ خان بابا بیانی (زاده ۱۲۸۸ - درگذشته ۴ اسفند ۱۳۷۵ ش) نویسنده، استاد دانشگاه، مورخ، مترجم و بنیان‌گذار دانشگاه تبریز است. ۳ هوشنگ سیحون، (معمار، رسام و نقاش ایرانی، ۱۲۹۹/۱۹۲۰ ش- ۱۳۹۳/۲۰۱۴ ش). در رشته معماری دانشکده هنرهای زیبا آموزش دید (۱۳۲۳-۱۳۱۹) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج: ۱، ۸۶۷).

دانشکده درآمدند. پس از آن که دکتر کیانوری که به واسطه فعالیت‌های سیاسی از دانشگاه کنار گذاشته شد، مهندس صانعی به جای ایشان آموزش درس ساختمان را عهده‌دار شد و بعدها مهندس عبدالعزیز فرمانفرمائیان^۱ وارد دانشکده هنرهای زیبا شد.

آقای جواد حمیدی^۲ برای نقاشی و آقایان کیومرث ایزدی، منوچهر سلیمانی پور، هوشنگ آجودانی و بهمن پاک‌نیا که همگی از دانش‌آموختگان دانشکده بودند در ابتدای دهه ۳۰ ه. ش، برای بخش معماری استخدام شدند سپس برای دروس نظری معماری، دکتر مهدی کی‌نیا و برای دروس عملی نقاشی، خانم بهجت صدر^۳ و آقایان محمود جوادی‌پور، علی آذرگین^۴، برای دروس عملی معماری، آقایان پرویز مویدعهد^۵ و ایرج اعتصام^۶ وارد دانشکده شدند. همگی آن‌ها از دانش‌آموختگان سابق دانشکده بودند.

ممکن است اساتید دیگری هم در همین دوران مشغول به فعالیت بوده باشند که اطلاعاتشان در بایگانی دانشکده به ثبت نرسیده باشد. مهندس غیائی و مهندس فروغی استاد و رئیس دانشکده در سال ۱۳۴۱ ه. ش، به دلیل گرفتاری‌های ناشی از مشکلات ساختمان مجلس سنای سابق، از سمت‌های دانشگاهی استعفا دادند و آقای مهندس هوشنگ سیحون به ریاست دانشکده منصوب شد. هیچ‌گونه آمار مشخصی در دانشکده، از دانشجویان ورودی سال‌های مختلف وجود ندارد، اما تعداد ۱۸۷ نفر که صدنفر آن‌ها دانشجویان رشته‌ی نقاشی بودند تا سال ۱۳۴۱ ه. ش از این دانشکده فارغ‌التحصیل شدند. در سال ۱۳۲۲ ه. ش، اولین گروه از فارغ‌التحصیلان دانشکده از رشته‌ی معماری که شامل هفت نفر بودند از اردیبهشت‌ماه تا پایان همان سال دانش‌آموخته شدند و عبارت بودند از: آقایان حسن صدرهاشمی، ارسلان افخم ابراهیمی، حسن کرمانی، غلامرضا کبادی، ارسلان کاوسی، هوشیار اشرف و عباس سیمین پور. دوران تحصیل این گروه سه‌سال به‌طول انجامید که بیانگر این نکته است که برنامه‌ی دوره‌ی معماری در ابتدا مختصر و ساده تنظیم شده بود.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴ ه. ش، هنرکده در اولین دوره سه فارغ‌التحصیل در رشته‌ی نقاشی معرفی کرد: حسین کاظمی، جلیل ضیاءپور و جواد حمیدی و در دوره‌های بعدی افرادی چون محمود جوادی‌پور، پرویز کلانتری، صادق بریرانی و... از این دانشکده دانش‌آموخته شدند. مدون نبودن برنامه‌ی این دانشکده در ابتدای امر از دلایل طولانی‌تر شدن ایام تحصیل آن‌ها می‌باشد. تا پیش از تأسیس رشته‌ی گرافیک در این دانشکده، دروس تخصصی آن در این سه رشته (نقاشی، معماری و مجسمه‌سازی) تدریس می‌شد. از استادان این دانشکده، می‌توان به محمود جوادی‌پور، علی آذرگین، علی محمد حیدریان، هوشنگ سیحون، کارل اسلامینگر، بهجت صدر، مارتین آشوب امین‌فر، محسن مقدم و... اشاره کرد.

افرادی چون مرتضی ممیز، قباد شیوا^۷، آیدین آغداشلو، عباس کیارستمی، محمد احصایی، علی‌اکبر صادقی، فرشید مثقالی^۸، نیکزاد نجومی^۹، خسرو بیات^{۱۰} و... در رشته‌ی نقاشی، زیر نظر این اساتید آموزش دیده و از این دانشکده دانش‌آموخته شدند. دهه‌ی

۱ عبدالعزیز فرمانفرمائیان (۱۲۹۹ - ۳۱ خرداد ۱۳۹۲ ش، یالما ده مایورکا، اسپانیا) معمار معاصر ایرانی، استاد دانشگاه تهران و از بنیان‌گذاران نظام مهندسی جدید در ایران بود. او معمار ورزشگاه آزادی بود.

۲ جواد حمیدی (نقاش و مدرس ایرانی، زاده ۱۲۹۷/۱۹۱۸ ش - ۱۳۸۰/۲۰۰۱ ش)، از پیشگامان هنرنوگرای ایران به‌شمار می‌آید (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۵۷۹).

۳ بهجت صدر محلاتی (نقاش و مدرس ایرانی، ۱۳۰۶/۱۹۲۴ - ۱۳۸۸/۲۰۰۹ ش)، از پیشگامان نقاشی انتزاعی در ایران به‌شمار می‌آید. دوره‌ی کارشناسی نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبا گذراند (۱۳۳۳-۱۳۳۷) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۹۲۵).

۴ علم، آذرگین، (نقاش، ایرانی، ۱۳۰۴/۱۹۲۵ ش - ۱۳۸۸/۲۰۰۹ ش)، فراگیری طراحی، و نقاشی، را در زادگاهش، بندر انزلی، شروع کرد. بعداً کارشناسی نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبا گذراند و رتبه اول را احراز کرد. تحصیلاتش را با استفاده از کمک‌هزینه دولت، در اتریش، ادامه داد (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۱: ۳۶).

۵ پرویز مؤید عهد (معمار، طراح و مدرس ایرانی، ۱۳۰۸/۱۹۲۹ ش -)، دوره کارشناسی معماری را در دانشکده هنرهای زیبا با گذراندن به فرانسه رفت و در بوزار پاریس و دانشگاه سوربن تحصیل کرد. به ایران بازگشت (۱۳۳۶) و ضمن فعالیت‌های معماری به تدریس در دانشکده هنرهای زیبا پرداخت (۱۳۳۳-۱۳۳۷) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۴۴۵).

۶ ایرج اعتصام (زاده ۱۳۰۹ ش در گرگان)، معمار معاصر ایرانی است. او که طراح و معمار پارک ملت تهران و پارک کوروش است، از استادان پیشکسوت رشته معماری در ایران است.

۷ شیوا، قباد (طراح گرافیک و تصویرگر ایرانی، ۱۳۱۹/۱۹۴۰ ش -)، یکی از برجسته‌ترین طراحان گرافیک معاصر ایران که نمونه‌های شاخص «پوستر ایرانی» را آفریده است. دوره‌ی کارشناسی نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۴۱-۱۳۴۵) و دوره‌ی کارشناسی ارشد علوم طراحی ارتباطی در انستیتو یرت، نیویورک (۱۳۵۷-۱۳۵۹ ش) گذراند.

۸ فرشید مثقالی، (تصویرگر، طراح گرافیک، فیلم‌ساز یویانما، نقاش، و مجسمه‌ساز ایران، ۱۳۲۲/۱۹۴۳ ش -)، او با ذهن، خلاق، و زیاده‌نقاشان، آثاری درخشان در حوزه‌های مختلف هنر بصری پدید آورده است و به‌ویژه در تصویرسازی کتاب کودک از جمله هنرمندان پیشتاز و نوآور به‌شمار می‌آید. دوره‌ی کارشناسی نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبا به انجام رساند (۱۳۵۰). هنوز دانشجو بود که در بخش روابط عمومی سازمان برنامه‌بودجه و در بنگاه تبلیغات یاته بکار طراحی گرافیک مشغول شد (۱۳۴۳). در نخستین کارنامه‌ی (نقاشی) گروهی تالار ایران [تالار قدرتیاز] شرکت کرد (۱۳۴۳) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۳۳۸).

۹ نیکزاد نجومی (نقاش، طراح گرافیک و تصویرگرایی ژانویه، ۱۳۲۰/۱۹۴۱ ش -)، هنرمندی متعهد که در روایت‌های تصویری کنایه‌آمیز و گزنده‌اش، بلاهت و تزویر صاحبان قدرت را نشان می‌دهد. دوره کارشناسی نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبا گذراند (۱۳۴۶-۱۳۴۱) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۴۸۷).

۱۰ خسرو بیات (طراحی گرافیک و مدیر هنری ایرانی، ۱۳۱۸/۱۹۳۹ ش -)، مقدمات نقاشی را در هنرستان کمال‌الملک آموخت. برای تحصیل در دوره کارشناسی نقاشی، دانشکده هنرهای زیبا پذیرفته شد (۱۳۳۸) ولی دوره را به پایان نرساند. فعالیت حرفه‌ای خود را در مقام طراح گرافیک در سازمان چاپ و انتشارات کیهان شروع کرد (۱۳۴۰) و بعداً مدیریت هنری هوایمایی ملی ایران را به عهده گرفت (۱۳۴۳-۱۳۵۰) به انگلستان رفت و از کالج سلطنتی هنر درجه کارشناسی ارشد گرافیک گرفت (۱۳۵۰) (پاکباز ۱۳۹۹، ج ۱: ۳۳۹).

۱۳۳۰ ه. ش، محمود جوادی پور تدریس در دانشکده هنرهای زیبا را شروع کرد و در تدوین دروس این دانشکده نقش بسزایی داشت.

بیش از نیم قرن، عمر دانشکده هنرهای زیبا مثل تمامی سرگذشت‌ها دارای فراز و نشیب‌های بسیار بوده و این تحولات در تمام شئون آن دیده می‌شود از گوناگونی افراد، سلاقی و عملکردهای آنان گرفته تا شیوه‌های آموزشی متفاوت و مدیریت‌های مختلف و ورود و خروج هنرجویان مشهور و گمنام و تعداد متغیر آن‌ها و... بنابراین برای بررسی بهتر این دانشکده، می‌توان عمر آن را به چهار دوره متفاوت تقسیم کرد:

دوره اول را می‌توان از تأسیس دانشکده تا پایان ریاست مهندس فروغی در نظر گرفت که جمعاً ۲۲ سال بود (ممیز، ۱۳۶۲: ۴۹).

دوره دوم، دوران شش‌ساله‌ی ریاست مهندس سیحون که از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۷ ه. ش به طول انجامید و در این دوران دانشکده رشد کمی و کیفی پیدا می‌کند و رشته‌های تازه چون: شهرسازی، موسیقی و هنرهای نمایشی در آن تأسیس می‌شود. دوره سوم را پس از استعفای مهندس سیحون تا شروع انقلاب باید به‌شمار آورد. در دانشگاه تهران، این دوره مصادف با ریاست پروفیسور رضا می‌باشد. تغییرات در سیستم‌های آموزشی دانشگاه و ورود تعداد بی‌شمار معلم جوان به دانشگاه تهران موجب جوان شدن شتاب‌زده‌ی کادر و مدیریت آن شد، این دوره‌ی ده‌ساله از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ ه. ش دوام داشت.

و بالاخره دوره چهارم که بعد از انقلاب یعنی از ۱۳۵۸ ه. ش آغاز و تا اکنون ادامه دارد و دانشکده مشمول تحولات و دگرگونی‌های دیگری می‌شود که نتیجه‌ی بازتاب انقلاب اسلامی در آن بوده است.

حقیقت آن است که در هریک از این ادوار، آنچه جلب نظر می‌کند، تلاش متصدیان و عوامل دانشکده است که متأثر از موقعیت جامعه و باهدف پیشرفت و گسترش کیفیت آموزشی و فضای دانشگاهی دانشکده صورت گرفته است. گاه شرایط به تلاش‌ها شکل و روحیه‌ی مثبت داده است و گاه برعکس مشکلات و موانع را بر سر راه هدف‌نهایی آن‌ها قرار است. گاه مسئولان از ذوق راه‌اندازی و ساختن بیشتر با تکیه بر قدرت شخصی خود پیش‌می‌رفتند و بدون مشورت همه‌جانبه عمل می‌کردند. پس طبیعی است در کنار گام‌های مثبت و ارزنده‌ی خود، مسائلی را به‌وجود می‌آوردند و گاه برعکس تأمل و نرمش‌های ذاتی آن‌ها، جو متضادی را به‌وجود می‌آورد. به‌این ترتیب، مطالعه و ارزیابی این دوران امری است ظریف و دشوار و از طرف دیگر پس از گذشت سالیان دراز بررسی و مطرح کردن تمامی عملکردها، رفتارها و کردارها نیز اهمیت خود را از دست داده است (همان: ۵۷).

۸-۲- گروه‌های آموزشی دانشکده

- ۱- گروه آموزشی معماری
- ۲- گروه آموزشی شهرسازی
- ۳- گروه آموزشی هنرهای تجسمی
- ۴- گروه آموزشی هنرهای نمایشی
- ۵- گروه آموزشی موسیقی
- ۶- گروه آموزشی طراحی صنعتی

۸-۲-۱- ایجاد رشته‌ی گرافیک در دانشکده هنرهای زیبا

اولین رشته‌های گروه آموزشی هنرهای تجسمی، رشته‌ی نقاشی و مجسمه‌سازی هستند که بیش از هشتاد سال قبل هم‌زمان با رشته‌ی معماری در این مرکز تأسیس گردیدند. مرحوم استاد علی محمد حیدریان و مرحوم استاد ابوالحسن صدیقی از شاگردان برجسته‌ی کمال‌الملک، به ترتیب از مدیران نخستین این دو رشته بودند که هر کدام نقش غیرقابل‌انکاری در استحکام موقعیت این رشته‌ها داشتند. شاگردان مرحوم حیدریان در این دانشکده، نسل‌های اول تا چهارم نقاشان معاصر را تشکیل می‌دهند که بعداً در دانشکده هنرهای زیبا استخدام و مشغول به تدریس شده و بانی تحولات بسیاری گردیدند.

در سال ۱۳۴۲ ه. ش، تدریس گرافیک در دانشگاه تهران توسط محمود جوادی پور صورت می‌گرفت. وی دروس «ویژوال دیزاین» را به‌درخواست مهندس سیحون برای دانشجویان سال اول معماری، نقاشی و حجاری تدریس می‌کرد. محمود جوادی پور در استحکام جایگاه رشته‌ی گرافیک و تدریس آن نقش و تأثیر عمده‌ای داشت. وی در اولین سال فعالیت هنرکده‌ی تزئینی نیز اساس‌نامه‌ای را به این مرکز ارائه داد.

از سال ۱۳۴۸ ه. ش، ایجاد رشته‌ی گرافیک (ارتباط تصویری) به‌صورت جدی آغاز شد و تا سال ۱۳۵۵ ه. ش، تثبیت جایگاه آن به‌طول انجامید. مرتضی ممیز که در (آرت‌دکو) فرانسه تحصیلاتش را ادامه داده بود بعد از بازگشت به ایران، در اندیشه‌ی پیاده‌سازی ساختار آموزشی «آرت‌دکو» در دانشکده‌ی هنرهای زیبا بود. تلاش‌های نخستین مرتضی ممیز که جدیداً به جمع هیئت‌علمی

دانشگاه پیوسته بود، با مخالفت روبه‌رو شد و این تلاش بعدها نیز به همت افرادی مانند **سیما کوبان**^۱ و **جلال شباهنگی**^۲ و... که به‌تازگی به جمع هیئت‌علمی اضافه‌شده بودند ادامه یافت. «سرانجام، با کوشش معلمان فوق‌تأسیس رشته‌ی طراحی گرافیک هم‌زمان با رشته‌ی طراحی صنعتی مورد موافقت قرار گرفت و در این مدت مدرسین جدیدی چون محمدحسین حلیمی، هادی شفائیه (عکاس)، حسین گنجینه (متخصص چاپ‌دستی) و حسین ساسان (حکاک) نیز همکاری آموزشی مؤثر خود را با رشته‌ی طراحی گرافیک آغاز کردند» (افشار مهاجر، ۱۳۹۸: ۱۸). جدول ۱ به مرور تأسیس نخستین مدارس آموزش هنر تا شکل‌گیری رشته‌ی گرافیک در ایران می‌پردازد.

جدول ۱- روند تأسیس مراکز مهم آموزش هنر و ایجاد رشته گرافیک (مأخذ: نگارنده)

ردیف	نام مرکز آموزشی	سال تأسیس	مؤسس/ مدیر	نخستین رشته‌های آموزشی	ایجاد رشته‌ی گرافیک
۱	مدرسه‌ی دارالفنون	۱۲۳۰ ه. ش	میرزا تقی‌خان امیرکبیر	موسیقی، نقاشی، زبان‌انگلیسی و روسی	-
۲	مجمع‌الصنایع ناصری	۱۲۳۱ ه. ش	به‌فرمان ناصرالدین‌شاه، توسط شخصی به‌نام حسینعلی‌خان معیرالممالک	نقاشی، صحافی، تذهیب	-
۳	صنایع مستظرفه	۱۲۹۵ ه. ش	محمد غفاری (کمال‌الملک)	نقاشی	-
۵	هنرستان هنرهای زیبا	۱۳۳۲ ه. ش	جلیل ضیاءپور	نقاشی، مینیاتور، مجسمه‌سازی	-
۵	هنرکده هنرهای تزئینی (دانشگاه هنر تهران)	۱۳۳۹ ه. ش	هوشنگ کاظمی	مجسمه‌سازی، نقاشی تزئینی، طراحی پارچه، هنرهای چاپی و نگارشی	۱۳۳۹ ه. ش (با نام هنرهای چاپی و نگارشی - توسط هوشنگ کاظمی)
۶	دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران)	۱۳۱۹ ه. ش	با مدیریت آندره گدار	نقاشی، معماری، مجسمه‌سازی، گرافیک (ارتباط تصویری)	۱۳۵۵ ه. ش (توسط مرتضی ممیز)

۸۰ درصد از طراحان امروزی ایران که نزدیک به ده درصد آنان به‌عضویت مجامع بین‌المللی درآمده و دارای شهرت جهانی هستند از این رشته، پا به میدان فعالیت گذاشتند. تدوین و تنظیم برنامه آموزشی این رشته همواره با در نظر گرفتن تحولات و نیازهای داخلی و خارجی انجام‌شده و ساختار آموزشی آن مبنای برنامه‌ریزی رشته‌ی گرافیک در سایر مدارس عالی کشور گردید. اکثر مدرسان گرافیک در ایران دانش‌آموخته‌ی این رشته از دانشکده هنرهای زیبا هستند. دانشکده‌ی هنرهای زیبا؛ اگرچه در مقایسه با دانشکده‌های اولیه دانشگاه تهران، کمی دیرتر تأسیس شد، اما تاریخ تغییرات این دانشکده چه در دوره نخست حیات دانشگاه تهران و چه در مراحل بعد، مبین این حقیقت است که این دانشکده نه تنها در قالب حیات خود منشأ هم‌اندیشی، هم‌بستگی و پیوستگی علمی رشته‌های هنری در ایران شد، بلکه با تدوین و تنظیم برنامه‌هایی دقیق و متمرکز موجب شد تا از این پس رشته‌ی موسیقی و اندکی بعد، رشته‌های معماری و شهرسازی و دیگر رشته‌های این دانشکده، حیاتی هم‌بسته و پرشتاب پیدا کنند و از این راه به گسترش و رونق آموزش و پرورش در زمینه‌ی تعالی و پیشرفت هنر و معماری مساعدت نمایند. به مفهوم دیگر، دانشکده هنرهای زیبا کمی پس از تولد، قادر بود راه پیشرفت و ترویج عالمانه و آکادمیک علوم هنری را بگشاید و سپس زیرساخت رشد هنر و معماری و شالوده‌ی رونق آن‌ها را فراهم آورد. همچنین در بررسی صورت کلی علمی-اجرایی دانشکده و عناوین درسی و سرفصل‌هایی که برای این زمینه‌ی علمی مشخص شده، می‌توان دریافت که این ساختار بر مبنای استوار و با نکته‌بینی متخصصانه تنظیم شده است که توفیق امروز دانشکده‌ی هنرهای زیبا به شکل پردیس خودگردان با چندین دانشکده تا حد زیادی در گرو تلاش اولین پیشگامان تأسیس آن است.

۱ سیما کوبان (پژوهشگر، مدرس و نقاش ایرانی، ۱۳۱۸/۱۹۳۹ ش - ۲۰۱۲/۱۳۹۸ ش)، مقدمات نقاشی را نزد سودابه گنج‌های فراگرفت. سپس در بلژیک دوره‌ی کارشناسی دیوارنگاری را گذراند. به ایران بازگشت و در دانشکده‌ی هنرهای زیبا به تدریس مشغول شد (۱۳۴۲). به فرانسه رفت (۱۳۴۵) و در کلاس‌های آزاد بوزار یاریس، آموزش دید (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۱۴۶).
 ۲ جلال شباهنگ (نقاش، شیشه‌گر و مدرس ایرانی، ۱۳۱۷/۱۹۳۸ ش -)، در دوره‌ی کارشناسی گرافیک تبلیغات و دوره‌ی کارشناسی ارشد نقاشی را در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا سن هوزا گذراند (۱۳۳۶-۱۳۳۹) (پاکباز، ۱۳۹۹، ج ۲: ۸۹۰).

این دانشکده، تأثیر عمیقی در شکل و فضای هنر این مملکت طی نیم‌قرن گذشته، داشته است. این مرکز درگذر از سالیان بسیار، عمری ۸۳ ساله یافته و هنرمندان بی‌شماری در خود پرورش داده است. هنرمندانی که امروزه راهگشایان و پیشکسوتان هنر در ایران تلقی می‌شوند. نقش راه‌اندازی دانشکده هنرهای زیبا آن‌چنان بوده و هست که بر بنیان آموزشی سایر مدارس هنری ایران که بعدها تأسیس شدند نیز نفوذ داشته و بر فعالیت‌هایشان، سایه افکنده است. زیرا اغلب متصدیان و اساتید آن‌ها از دانش‌آموختگان این دانشکده بوده‌اند و تجربیات آموزشی این مرکز امروزه صاحب اعتبار ویژه‌ی شده است و اکنون به میعادگاه علاقه‌مندان تحصیل در حوزه‌های مختلف هنری تبدیل‌شد.

۹- نتیجه‌گیری

مدرسه‌ی دارالفنون از نخستین مراکز آموزش هنر بود که رشته‌های نقاشی و موسیقی در آن توسط اساتید اتریشی، فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی تدریس می‌شد. آموزش در این مرکز به شیوه‌ی غربی بود. مدتی بعد، آموزش هنر در مجمع الصنایع‌ناصری ادامه یافت. فعالیت و آموزش صنایع‌الملک و شاگردانش در این مجمع، آغاز آموزش گروهی گرافیک در ایران محسوب می‌شود. مدرسه‌ی نقاشی کمال‌الملک (مدرسه صنایع مستظرفه) سومین مؤسسه آموزش هنر ایران بود. رشته‌های مجسمه‌سازی و نقاشی در دوره‌های ۴ و ۶ ساله در این مدرسه تدریس می‌شد. هنرستان هنرهای زیبا در سال ۱۳۲۲ ه. ش با تلاش‌های جلیل ضیاءپور و باهدف پرورش استعداد‌های خلاق در رشته‌های هنرهای تجسمی آغاز به‌کار کرد. این مدرسه از بنیان‌گذاران اصلی هنر مدرن در ایران به‌شمار می‌رود. اکثر هنرآموزان این هنرستان از مدرسان و فعالان رشته‌ی طراحی گرافیک در دهه‌های بعد بودند. سال‌ها بعد، به همت هوشنگ کاظمی هنرکده‌ی هنرهای تزئینی بر اساس ساختار آموزشی آرت دکو پایه‌ریزی شد. مقصود اصلی از تأسیس این هنرکده، راه‌اندازی رشته‌ی طراحی گرافیک بود که ابتدا با نام «هنرهای چاپی و نگارشی» تدریس می‌شد. نخستین اساتید این هنرکده ترکیبی از هنرمندان فرانسوی و ایرانی بودند. محمد پولادی در سال ۱۳۴۴ ه. ش، اولین فارغ‌التحصیل رشته‌ی گرافیک این مرکز بود. در سال ۱۳۵۵ ه. ش دوره‌ی کارشناسی ارشد با تدریس هوشنگ کاظمی، مرتضی ممیز، آیدین آغداشلو و... در این مرکز راه‌اندازی شد. سال ۱۳۶۲ ه. ش رشته‌ی «هنرهای چاپی و نگارشی» به «ارتباط تصویری» تغییر نام داد. دانشکده‌ی هنرهای زیبا، متأثر از مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس در سال ۱۳۱۹ ه. ش با نام هنرکده در دانشگاه تهران تأسیس شد. نام این دانشکده در سال ۱۳۲۸ ه. ش به دانشکده هنرهای زیبا تغییر کرد. دروس تخصصی رشته‌ی طراحی گرافیک تا پیش از شکل‌گیری این رشته در دانشکده‌های هنرهای زیبا، در سه رشته‌ی نقاشی، معماری و مجسمه‌سازی توسط اساتیدی چون محمود جوادپور، علی‌محمد حیدریان، علی آذرگین، هوشنگ سیحون، کارل اشلامینگر، بهجت صدر، مارتین آشوب امین‌فر، محسن مقدم و ... تدریس می‌شد. فرآیند تأسیس و تثبیت رشته‌ی طراحی گرافیک از سال ۱۳۴۸ ه. ش آغاز و تا سال ۱۳۵۵ ه. ش به طول انجامید. تلاش‌های مرتضی ممیز، سیما کوبان، جلال شباهنگی و... در نهایت منجر به تأسیس رشته‌ی گرافیک در این دانشکده شد. آموزش این رشته در دانشکده‌ی هنرهای زیبا پس از ۴۷ سال ادامه دارد و همچنان در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد فعال است.

منابع

۱. افشار مهاجر کامران، (۱۳۹۸)، «تاریخ طراحی گرافیک ایران»، چاپ اول، تهران: فاطمی.
۲. آغداشلو آیدین، (۱۳۹۸)، «حرف آخر»، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتاب آبان.
۳. پاکباز رویین، (۱۳۹۹)، «دائرةالمعارف هنر (سه‌جلدی)»، چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
۴. دل‌زنده سیامک، (۱۳۹۹)، «تحولات تصویری هنر ایران»، چاپ سوم، تهران: نشر نظر.
۵. ذکاء یحیی، (۱۳۸۲)، «زندگی و آثار استاد صنایع‌الملک»، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۰
۶. عزیز محمد مهدی، (۱۳۸۲)، «تحول و دگرگونی گروه‌های آموزشی دانشکده‌ی هنرهای زیبا»، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۱۴، تابستان، صص ۱۲-۵.
۷. قنبری معراج، (۱۳۹۷)، «از هنر تا دیزاین»، نشان، پاییز و زمستان، صص ۶۹ تا ۷۵.
۸. قنبری معراج، (۱۳۹۹)، «جایی برای پرورش استعداد‌های خلاق هنری»، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۲ مهرماه، صص ۲ و ۳.
۹. قنبری معراج، (۱۳۹۹)، «صدسال گرافیک در تهران»، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۰. محبی ارغوان، قنبری معراج، (۱۳۹۹)، «ممیز وارد می‌شود»، مجله‌ی مصور قهوه، شماره ۴۰، فروردین‌ماه، صص ۶۵-۵۷.
۱۱. ممیز مرتضی، (۱۳۶۲)، «نشانه‌ها»، چاپ اول، تهران: انتشارات چهاررنگ.